



جامعه به عنوان مهم‌ترین بستری که جریانات گوناگون سیاسی و اجتماعی به کنش اجتماعی در آن می‌پردازد واجه ویژگی‌هایی است که بسته به نوع نگرش کنشگران می‌تواند کیفیت تعامل، تقابل یا تعارض میان نیروهای اجتماعی را رقم زند.

جامعه به عنوان پدیده‌های اجتماعی واجد

یادداشت اختصاصی



جامعه به عنوان مهم‌ترین بستری که جریانات گوناگون سیاسی و اجتماعی به کنش اجتماعی در آن می‌پردازد واجه ویژگی‌هایی است که بسته به نوع نگرش کنشگران می‌تواند کیفیت تعامل، تقابل یا تعارض میان نیروهای اجتماعی را رقم زند.
جامعه به عنوان پدیده‌های اجتماعی واجد ویژگی‌هایی است که بسته به نوع نگرش کنشگران می‌تواند کیفیت تعامل، تقابل یا تعارض میان نیروهای اجتماعی را رقم زند.
جامعه به عنوان پدیده‌های اجتماعی واجد ویژگی‌هایی است که بسته به نوع نگرش کنشگران می‌تواند کیفیت تعامل، تقابل یا تعارض میان نیروهای اجتماعی را رقم زند.

پیشنهاد صلح دوفاکتوی ملی را بپذارد نبوی در یادداشت خود برای اولین شماره نشریه «جامعه فردا» مطرح کردند.
به نظر شما چنین ایده‌ای قابلیت تحقق را در جامعه ما دارد؟

این بحث چندان جدید نیست و حداقل دو دهه است به اشکال مختلف در محافل سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. به‌عنوان مثال در دولت اصلاحات به ابتکار وزارت کشور، جلساتی با نمایندگان احزاب برگزار شد تا با هدف ایجاد هماهنگی میان احزاب تعامل‌هایی صورت بگیرد. این ایده و تقاضم بر سر منافع ملی در یک سامان سیاسی عادلانه فراهم می‌باشد.
پیشنهاد صلح دوفاکتوی ملی را بپذارد نبوی در یادداشت خود برای اولین شماره نشریه «جامعه فردا» مطرح کردند.
به نظر شما چنین ایده‌ای قابلیت تحقق را در جامعه ما دارد؟

این بحث چندان جدید نیست و حداقل دو دهه است به اشکال مختلف در محافل سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. به‌عنوان مثال در دولت اصلاحات به ابتکار وزارت کشور، جلساتی با نمایندگان احزاب برگزار شد تا با هدف ایجاد هماهنگی میان احزاب تعامل‌هایی صورت بگیرد. این ایده و تقاضم بر سر منافع ملی در یک سامان سیاسی عادلانه فراهم می‌باشد.
پیشنهاد صلح دوفاکتوی ملی را بپذارد نبوی در یادداشت خود برای اولین شماره نشریه «جامعه فردا» مطرح کردند.
به نظر شما چنین ایده‌ای قابلیت تحقق را در جامعه ما دارد؟

این بحث چندان جدید نیست و حداقل دو دهه است به اشکال مختلف در محافل سیاسی و اجتماعی مطرح بوده است. به‌عنوان مثال در دولت اصلاحات به ابتکار وزارت کشور، جلساتی با نمایندگان احزاب برگزار شد تا با هدف ایجاد هماهنگی میان احزاب تعامل‌هایی صورت بگیرد. این ایده و تقاضم بر سر منافع ملی در یک سامان سیاسی عادلانه فراهم می‌باشد.

تفاوت‌ها و تخلف‌های گوناگونی است. از سوی دیگر کنشگران سیاسی و اجتماعی به دلیل تفاوت در قابلیت‌ها، هوش، ذکاوت و میزان تلاش برای برخورداری از مواهب جامعه به رقابت با یکدیگر می‌پردازند.

در میان برخی از نظریه‌پردازان، اصولا جامعه‌ای مثبت از زیایی می‌شود که جامعه‌ای مبتنی بر وحدت کامل و بدون هر گونه اختلافی باشد. از دیدگاه این دسته از نظریه‌پردازان اصولا تبعیض امری مضموم شمرده می‌شود، اما در نگاه دیگر جامعه به دلیل تفاوت‌های ذاتی و طبیعی چه در بستری طبیعی و چه در نگاه و توانمندی‌های کنشگران همواره با تضاد روبه‌رو بوده و خواهد بود. در نتیجه این دسته از کنشگران جامعه

با پذیرفتن معیارهای اساسی می‌توان در سازندگی مشارکت کرد

متکثر و پرقاب‌ت را جامعه‌ای زنده و پویا از زیبایی می‌کنند. در جامعه ما آنچه که می‌تواند باعث رشد و توسعه سیاسی و اجتماعی شود، اول پذیرفتن اصل تغییر در جامعه است و پس از آن پذیرش دیگری به عنوان فرد یا گروه مقابل ما.

از همین رو با به رسمیت شناختن گروه‌های متقابل، مقابیل، زمینه‌گفت‌وگورا می‌توان فراهم ساخت. از سوی دیگر در وهله سوم رقابت به عنوان اصلی در جهت رفع اختلافات احتمالی که می‌تواند در بستر تحولات اجتماعی اجتناب‌ناپذیر باشد؛ محسوب می‌شود. همچنین باید به وجود یک قانون برتر و مقیاسی برای رجوع به آن برای حل اختلافات اتکا کرد که در جوامع

در گفت‌وگو با مر ترضی مبلغ درباره پیشنهاد صلح دوفاکتوی ملی مطرح شد:

اگر همه منتظر هم باشیم، اتفاقی نمی‌افتد

جناح سیاسی در جهت رفع آن قدم بر می‌دارند، اما احتمالاً در تشخیص مصادیق اختلاف نظر خواهند داشت.

به‌عنوان مثال زوددن فقر و نابرابری‌های اجتماعی، ایجاد استقلال، پیگیری یا تأکید بر استقلال و مبارزه با سلطه بیگانگان بر کشور یا قانون‌گریزی و ناسالام شدن سیستم اداری از جمله مواردی است که گروه‌های سیاسی می‌توانند با ارائه برنامه‌های خویش در پیشگاه مردم و شرکت در رقابت در انتخابات به رأی مردم نیز تمکین کرده و عملاً زمینه اجرای برنامه‌های خویش را همپا سازند، به این ترتیب حتی اگر به لحاظ جدی گروه‌های سیاسی بر دور یک میز نشیینند که البته انجام نشست‌ها بسیار مفید خواهد بود؛ اما با پذیرفتن معیارهای اساسی می‌توانند در سازندگی کشور با یکدیگر مشارکت کنند.

مضاف بر اینکه علاوه بر چارچوب‌های کلی می‌توان به برخی از مسائل اشاره کرد که هر نوع

گفت‌وگوی روز



اثر بیشتری خواهد داشت و اگر این کار را نکنند، طبعاً با تأخیر بیشتری روبه‌رو می‌شویم؛ اما نهایتاً ان‌شاءالله چنین اتفاقی خواهد افتاد.

دامنه احزاب و گرایش‌های سیاسی که قرار است گفت‌وگو و در بحث منافع ملی مفاهیم داشته باشند، چه بازه‌ای را شامل می‌شود؟

باید گفت سنگ بزرگ علامت نزدن است، اگر بخواهید یک طرح بدهید که همه جریان‌ها، گروه‌ها و نحله‌های فکری در آن حضور داشته باشند. یعنی این اتفاق نخواهد افتاد یا خیلی سخت اتفاق خواهد افتاد. به هر حال امروز دو جریان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، بر سیاست کشور مسلط هستند. این به معنای آن نیست که سایر نحله‌ها وجود ندارد. در این‌جا نیز اصلاح‌طلبان خیلی زودتر به ضرورت آشتی ملی پی برند و آمادگی خود را نشان دادند. اصولگرایان نیز به‌خصوص عوامل و عناصر ریشه‌دار و اصیل آن، به تدریج به این ضرورت پی برده‌اند. اگر از این‌جا شروع شود، خیلی زود بستری را فراهم می‌کند که برای اینکه هر چه بیشتر پیش برود، در این مقطع که بشود یک گفت‌وگو را شکل داد و این گفت‌وگو صمیمانه و سازنده‌تر باشد، طبعاً فرصت برای ورود به مساحت‌های گسترده‌تر، فراگیرتر و بازتر هم فراهم خواهد شد. به این دلیل است که می‌گویم از این نقطه می‌توان شروع کرد و عملی‌تر است که از اینجا شروع کنیم، اما حتماً این جریاناتی که نام آن ملی است یا سیاسی و بعدی، جریانات و نحله‌های فکری را عم از سیاست می‌گیریم. هر چه بیشتر می‌توانیم سطوح واقعی‌کلمه، به معنای آنکه آن و تداوم و پایبندی مداوم بر سر آن برسیم.

از نظر برخی تحلیلگران، عنوان این پروژه می‌تواند مهم باشد. به عنوان اساس انتقاداتی به عنوان صلح دوفاکتوی ملی پیشنهاد شده توسط بهژاد نبوی وجود دارد. از نظر شما این انتقادات وارد هستند؟

به نظر من محتوایی که اشاره شد مهم است. اینها اسم است، آشتی، صلح، دوفاکتو، همدلی، انسجام و… اسامی است که گذاشته می‌شود، سطحی و مقطعی است. ممکن است من پیشنهاد اسم بدهم و دیگران نیز پیشنهادهای دیگری بدهند که همه خیلی خوب است و مشکلی نیست، اما فضای کلام و تعامل و گفت‌وگوی سازنده است. گفت‌وگو به معنای واقعی‌کلمه، به معنای آنکه دو طرف صاحب حق و حرف هستند و هر طرف قبول کند که طرف دیگر نیز حرف می‌زند و حرف آن را باید شنید. البته نه به‌صورت مونولوگ، بلکه دیالوگ واقعی و تعامل سازنده باید اتفاق بیفتد. این محتوای کار است که بین احزاب، جریان‌هایی که با هم رقابت دارند، جریان‌هایی که به نحوی به‌یک‌دیگر را تخطئه می‌کنند، در همه سطوح حاکمیت، غیر حاکمیت، سیاست و غیر سیاست باید این اتفاق بیفتد که طبعاً شروع آن باید با حوزه و عرصه سیاسی باشد تا اثرات جدی‌تر خود را نشان بدهد و نام خیلی مهم نیست، بلکه محتوا مهم است.

شرع و قانون استفاده می‌کند. این اتفاق مخرب دومی است که افتاده است. منتها همان جریانی که از همین رانت‌ها همواره برخوردار بودند امروز به تدریج احساس می‌کنند که این رانت‌ها برخلاف تصور اولیه که امتیاز چشم‌گیری برایشان بوده است، پلای جان آنها شده و آنها را ناکارآمد شکر می‌کنند. برقرانی به اهداف ملی و تحقق اهداف ملی است باید رقابت اتفاق بیفتد. در کشور ما به دلیل فقدان سامان سیاسی شرایط اتفاقاً به‌گونه‌ای است که در همان ابتدا منافع ملی موضوع رقابت تلقی شده و قربانی می‌شود. یک نمونه بارز بحث برنامه است که یکی از مهم‌ترین موضوعات ملی این کشور بوده که با نظر همه مقامات و قوای کشور اتفاق افتاده است. ببینید که بعد از آن برنامه چه اتفاقی در این کشور رخ داد که هیچ‌یک از آنها در راستای منافع ملی نبودند، در واقع منافع ملی را موضوع رقابت مخرب قرار داده بود. در بسیاری از زمینه‌ها این مسائل وجود دارد و به دلیل فقدان سامانه سیاسی و شکل‌گیری قواعد رقابت سازنده است. این جز تخریب، هیچ نیست؛ هر دولت، مسئول و حکومت‌مردی تلاشی انجام می‌دهد با یک حجم تخریبی جریان دیگر مواجه می‌شود و در واقع سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و هر آجری که روی دیگری گذاشته می‌شود، به‌وسیله یک حجمه دیگر مخدوش و تخریب می‌شود. این در ابتدا آثار مخربش معلوم نبود؛ اما به تدریج خود را نشان داده و امروز در شرایطی قرار داریم که با بحران‌های مختلفی مواجه هستیم و تقریباً همه کسانی که به‌نحوی سر در گرو ملت و نظام دارند، متوجه شدند که این روند قابل تداوم نیست و از جوش تخریب‌ها و از دست رفتن فرصت‌ها چیزی در بر ندارد و باید جایی متوقف نشود و فکری برای آن بشود. زیرساخت‌ها ما آماده شود و فرآیندهای جدیدی شکل بگیرد که از این حالت بیرون بیایم. امروز این به خوبی خود را نشان می‌دهد و همان طور که اشاره کردم در فضای فزاین سامان سیاسی به‌مناسفانه در قواعد رقابت، دو اتفاق بسیار نامطلوب و مخرب افتاد؛ یکی اینکه منافع ملی مورد رقابت، هجوم و تخریب واقع شد و فرصت شکل‌گیری سطوح منافع ملی و اجماع بر سر آن به وجود نیامد یا بسیار کمتر به وجود آمد. دوم اینکه رانت بسیار وسیعی برای یک جریان در بخش سیاسی و تبلیغاتی فراهم شد. یعنی شما در رقابت می‌پرسید که یک جناح کشور از همه مزایای سیاست و تبلیغات برخوردارند، یک بستر و راه همواری در مقابل آنها فراهم است، یک جناح در سخت‌ترین و محدودترین شرایط وارد عرصه رقابت می‌شود که نام آن را رقابت می‌گذارند آن هم رقابتی که به شدت تبعیض‌آمیز است و هیچ‌نوع عدالتی در آن وجود ندارد و شما می‌بینید که یک جناح با رده‌صالحیت‌های گسترده‌ای مواجه‌است و اتهامات سنگینی به آن وارد می‌شود؛ از فرست‌های سیاست، تبلیغات و… به‌شدت محروم است و یک جناح همه‌چیز برایش فراهم است و حتی به شکل بسیار گسترده از امکانات بیت‌المال هم برخلاف

مر ترضی مبلغ، معاون اسبق سیاسی وزارت کشور بوده است.
عکس: اعتماد آنلاین

چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۶



خبرروز

کارنامه چهره جانشین

از او به‌عنوان مرد صحنه‌گردان جریان اصولگرایی نام می‌برند. مردی که همیشه به سختی تن به ارتباط با رسانه‌ها می‌دهد و هیچ‌گاه هم حاضر به گفت‌وگو با رسانه‌های اصلاح‌طلب نیست. یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های اصولگرا که اکنون بر صندلی ناطق‌نوری در دفتر بازرسی مقام معظم رهبری تکیه زده است. حسین فدایی در کارنامه خود سابقه نمایندگی در دوره‌های هفتم و هشتم مجلس و همچنین عضویت در کارگروه مبارزه با مفاسد اقتصادی و مجلس و دبیرکلی جامعه‌اینترگران را دارد. دو ماه پیش از انتخابات دوم خرداد ۷۶ بود که به همراه چند تن از هم‌فکرانش اقدام به تأسیس یک حزب سیاسی کرد؛از همان زمان تا شهریور ماه سال جاری به‌عنوان دبیر کل این جمعیت اینترگران فعالیت می‌کرد. اگرچه زمان کناره‌گیری او از دبیرکلی، محمدفروزنده، سخنگوی جمعیت اینترگران این اقدام را اصرار فدایی و رویکرد جوانگرایی او بیان کرده؛ اما به نظر می‌رسد افول اصولگرایی در این سال‌ها حسین فدایی و تشکیلات سیاسی‌اش رانیز تحت تأثیر خود قرار داده است. افولگی که جرقه‌هایش با حضور محمود احمدی‌نژاد در پاسنور و در شرایطی آغاز شد که اصولگرایان سرخوش از فتح پاسنور توسط او بودند. اما این ماه عمل قرار نبود دوام چندانی داشته باشد و هر چه زمان گذشت، شکاف میان جریان احمدی‌نژاد در مقابل جبهه پایداری و اصولگرایان سنتنی بیشتر شد. حسین فدایی هم روابطش با محمود احمدی‌نژاد مانند بسیاری از اصولگرایان فراز و نشب‌های خاص خودش را داشت. سال‌های گذشته روزهای خوبی برای او و هم‌فکرانش شمرده نمی‌شود و اکنون او از وظیفه خود در تشکیلات سیاسی‌اش فاصله گرفته و در نهاد حساسی همچون دفتر بازرسی رهبری قرار علی‌اکبر ناطق‌نوری شده‌است. چهره‌ای که در سال‌های اخیر تلاش کرد از خط اعتدال خارج نشود و تلاش خود را به کار بست تا جریان‌های سیاسی کشور را به سمت نزدیک کند. حال باید دید مسیر فدایی در سمت جدید خود هم مرد ساکت اصولگرایان خواهد بود یا مهر سکوت را خواهد شکست.

دادستان تهران: دست‌کذا عقب‌نشینی نمی‌کند

آشتی، صلح،

دوفاکتو،

همدلی؛

انسجام و…

اسامی است

که گذاشته

می‌شود که

سطحی و

مقطعی است.

اما فحوائی

محتوا، تعامل

و گفت‌وگوی

سازنده است.

گفت‌وگو به

معنای واقعی

کلمه به معنای

آنکه دو طرف

صاحب حق و

حرف هستند

و هر طرف

قبول کند که

طرف دیگر نیز

حرف می‌زند

و حرف آن را

باید شنید

^[1] از او به‌عنوان مرد صحنه‌گردان جریان

^[2] از او به‌عنوان مرد صحنه‌گردان جریان

^[3] از او به‌عنوان مرد صحنه‌گردان جریان